

گزارش چهل و هشتمین نشست علمی با عنوان "اقتصاد مقاومتی و مساله نفت در اقتصاد سیاسی ایران"

۹۵/۱/۳۱

پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل چهل و هشتمین و دومین نشست علمی خود در سال جدید را با عنوان «اقتصاد مقاومتی و مساله نفت در اقتصاد سیاسی ایران» روز سه شنبه مورخ ۹۵/۱/۳۱ در محل پژوهشکده برگزار کرد. در ابتدا یکی از اساتید با طرح سؤالاتی چون نقش نفت در اقتصاد مقاومتی چیست؟ و آیا میتواند تبدیل به فرصت شود؟ بیان داشتند: اقتصاد دانان در مورد نقش نفت بحث های متنوعی دارند، در یک جمع بندی کلی نفت فی نفسه اثر مشخصی روی اقتصاد ندارد بلکه سیاست نفتی دولت تاثیر گذار است. نفت موهبت خدادادی است که نصیب جامعه ای می شود و این که چگونه از آن استفاده شود به سیاستهای دولت بر میگردد. تصمیم استراتژیک این است که درآمد به سمت بودجه هدایت شود یا به سمت صندوقی که ذخیره شود. اقتصاددانان معتقدند بهتر است به سمت صندوق توسعه برود. اگر قرار است به سمت بودجه برود دولت میتواند بعنوان ابزار سیاسی از آن استفاده کند. تزریق درآمدهای نفتی از مجرای بودجه چگونه می تواند اثرهای مخربی داشته باشد؟ در اینجا چند متغیر وجود دارد، بزرگ شدن دولت یکی از متغیرهاست و زمانی که دولت با اتکا به درآمدهای نفتی بودجه خود را افزایش میدهد اقتصاد در کشور دولتی میشود در این صورت وابستگی به درآمدهای نفتی باقی می ماند و کم کردن آن در دولت های بعد سخت است. با انگیزه های سیاسی دولتها تمایل دارند بودجه را افزایش دهند. کاهش انگیزه سرمایه گذاری نیز یکی دیگر از متغیرهاست. بیماری هلندی نیز متغیری است که تکمیل کننده این مبحث است. این بیماری در سال ۷۷ در مجله اکونومیست مطرح شد. زمانی که درآمدهای نفتی از طریق بودجه تزریق شوند تقاضا برای عرضه بیشتر میشود و تعادل تقاضا و عرضه بهم میخورد. در اینصورت تورم ایجاد میشود. کار اشتباه دولتها در این حالت این است که برای کنترل تورم با تکیه بر ارز ارزان قیمت به واردات روی می آورند. در این صورت تولید کننده ضرر می کند. از طرف دیگر وقتی قیمت زمین و مسکن افزایش پیدا کند سفته بازی رواج می یابد. سرمایه ها به سمت فعالیت هایی سوق داده می شوند که ارزش افزوده ندارند. این بیماری به واسطه افزایش تزریق درآمدهای نفتی در ایران نیز در یک دهه اخیر بوجود آمده است. در ضمن رانت جویی و فساد نیز در این حالت پدیدار می شود که خود دشمن توسعه و صنعتی شدن است. تزریق درآمدهای نفتی در اقتصاد بصورت بلند مدت روی توسعه تاثیر گذار است. از طرف

دیگر مقاوم شدن اقتصاد از طریق توسعه سرمایه گذاری انجام می پذیرد. اگر قرار بر مقاوم سازی اقتصاد باشد زمانی که نفت بصورت غیر معقول وارد اقتصاد می شود و اثر غیرمطلوب روی توسعه می گذارد روی مقاوم شدن اقتصاد نیز تاثیرگذار است. استاد دیگری با بیان اینکه صنعت نفت موتور توسعه کشور است ادامه دادند: اشتغالی که صنعت نفت ایجاد می کند مسئله مهمی است و همچنین تکنولوژی که در صنعت نفت وجود دارد بسیار پیشرفته است و می تواند به بخشهای دیگر اقتصاد منتقل شود. صنایع تکمیلی و تبدیلی مربوط به نفت هم مثل پتروشیمی ها دارای ابعاد بسیار گسترده ای در اقتصاد کشور می باشد. لذا جایگاه نفت در اقتصاد مقاومتی را نباید فقط در چگونگی سیاستگزاری بر درآمد ناشی از صادرات نفت خام خلاصه کرد. با توجه به اینکه قیمت پایین نفت صادراتی هم اهمیت این مسئله را کمتر هم کرده است. از طرف دیگر تزریق درآمدهای نفتی به بودجه را نمی توان همیشه منفی دانست که از نظر ایجاد تعادل در بخشهای گوناگون اقتصاد می تواند مؤثر باشد. یکی دیگر از اساتید از نفت به عنوان ثروت ملی یاد کردند و اضافه کردند که بعد بین المللی نفت بسیار مهم است. از دهه ۷۰ به بعد نفت در صحنه سیاسی نقش مهمی داشته است. موضوع مهم این است که عدم وابستگی بودجه به نفت را در بعد بین الملل بررسی کنیم. استاد دیگری اذعان داشتند: اصولاً نفت میتواند محور اقتصاد مقاومتی باشد. اگر اقتصاد محکم باشد در سه عرصه میتواند موفق باشد؛ عرصه سرمایه گذاری، عرصه فن و اقتصاد و عرصه اجرا و مدیریت. اقتصاد اگر بتواند این سه عرصه را با هم داشته باشد مقاوم است. صنعت نفت ویژگی هایی دارد که با این موارد سازگار است. بیش از ۹۵ درصد انرژی های کشور از نفت تامین می شود. ویژگی های صنعت نفت را میتوان اینگونه برشمرد: نفت سرمایه بر است، دانش بنیان است و اشتغال زا می باشد. مشکل صنعت نفت را هم در سه مسئله می توان ذکر کرد: نوسانات درآمدی بودجه، وابستگی درآمدی به نفت و آسیب پذیری. در ادامه بحث یکی از اساتید اشاره داشتند که باید از این دوگانه نفت - دولت بالاتر رفت. نفت اساساً رکن دنیای امروز است. نفت ذاتاً در دنیای امروز امری بین المللی است. موضوع دیگر اینکه اقتصاد مقاومتی را در چه پارادایمی باید دید؟ تئوری های توسعه، جهان را به توسعه یافته، عقب مانده و در حال توسعه تقسیم می کنند. من تصورم این است که با این گفتمان هیچ وقت به توسعه و پیشرفت نخواهیم رسید. طبق این دسته بندی ما همان جهان سومی خواهیم ماند. اقتصاد مقاومتی نوعی خروج از پارادایم تئوری های توسعه است و نمی خواهد خود را در چارچوب آنها مطرح و قرار دهد.